خبر

موافقت دولت عراق با واردات بیشتر گاز طبیعی از ایران

● دولت عراق توافق برای واردات گاز طبیعی از ایران به استان مرزی شرقی دیاله را تأیید کرد. به گزارش ایسنا به نقل از رویترز، به‌این‌ترتیب خرید گاز طبیعی ایران از سوی عراق که اوایل امسال آغاز شد، افزایش پیدا می‌کند. ایران صادرات گاز طبیعی به عراق را پس از وقفه چندساله در ژوئن آغاز کرد. این دو کشور همسایه که عضو اوپک هستند، در سال ۲۰۱۳ قراردادی را امضا کردند که تحت آن، ایران گاز نیروگاه‌های برق عراق را تأمین می‌کرد اما مقامات در گذشته، امنیت ضعیف در عراق را مانع اجرای این قرارداد عنوان کرده بودند.

افزایش حقوق کارکنان ۱۰ درصد شد

● با وجود اینکه در بخش‌نامه بودجه سال آینده درصد افزایش حقوق کارکنان پنج درصد و به‌طور مشروط ۱۰ درصد تعیین شده بود، درنهایت هزینه‌های جاری دولت با افزایش حقوق ۱۰درصدی بسته شد. به گزارش ایسنا، افزایش درصد حقوق کارکنان برای سال آینده در لایحه بودجه ۱۳۹۷ ماجرای متفاوتی داشت به طوری که در بخش‌نامه‌ای که مهرماه امسال به دستگاه‌های اجرائی ابلاغ شد، تأکید بر این بود که طبق ضوابط مالی دستگاه‌های اجرائی باید میزان افزایش حقوق را تا پنج درصد پیش‌بینی کنند. البته دراین‌باره شرایطی وجود داشت که بر اساس آن دستگاه‌هایی که بودجه خود را بر مبنای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد تهیه می‌کردند، می‌توانستند معادل پنج درصد از محل صرفه‌جویی و اجرای این نوع از بودجه‌ریزی به عنوان سایر پرداختی‌ها و برای حقوق پیش‌بینی کنند که تا ۱۰ درصد در مجموع قابل افزایش بود. بعد از ابلاغ بخش‌نامه بود که اعلام افزایش پنج‌درصدی حقوق با برخی گمانه‌ها و حواشی همراه شد. بااین‌حال اعلام رئیس سازمان برنامه و بودجه با این توضیح همراه بود که درصد افزایش حقوق ۱۰درصدی است. اما به‌هرحال بخش‌نامه رویکرد دیگری داشت و برای کل پنج درصد تعیین شده بود، مگر آنکه به طور مشروط به ۱۰ درصد قابلیت افزایش داشت که آن هم با توجه به اینکه حداکثر ۳۰ تا ۴۰ درصد سازمان‌ها دارای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد بودند و امکان صرفه‌جویی هم وجود داشت، درنهایت افزایش حقوق بیش از پنج‌درصدی برای کارکنان قابل اجرا نبوده و به طوری ناهمسان اتفاق می‌افتد. اما آخرین اخبار دریافتی حاکی از آن است که در نهایت تصمیم دولت بر این شده تا افزایش حقوق کارکنان برای سال آینده ۱۰ درصد در نظر گرفته و بر این مبنا هزینه‌های جاری در لایحه بودجه بسته می‌شود.

ادامه از صفحه ۵

تغییرات اقلیم و اثر آن بر امنیت غذایی

در این رتبه‌بندی از صد نمره، آمریکا با ۸۹ نمره، سنگاپور با ۸۸.۲ نمره و ایرلند با ۸۵.۴ نمره سه کشور در بالاترین شاخص امنیت غذایی و بروندی با ۲۵.۱ نمره، چاد با ۲۷.۹ نمره و ماداگاسکار با ۲۸.۸ نمره در کمترین شاخص امنیت غذایی قرار دارند (Global food security index, 2015). این اطلاعات نشان می‌دهد که امنیت غذایی کشورهای جهان با تغییر در عرضه و تقاضا و قیمت آن متغیر می‌شود. حال این تغییر اقلیم می‌تواند از طریق تغییرات عمده در شرایط اقلیمی مثل گرم‌شدن، از طریق تأثیر بر تمام سیستم‌های غذایی جهانی، ملی و محلی، بر امنیت غذایی اثرگذار باشد. تکرار و شدت حوادث شدید جوی و خشک‌سالی‌ها، افزایش سطح آب دریاها و افزایش بی‌نظمی‌های الگوهای فصلی بارش، تأثیرات آنی روی تولید غذا، زیرساخت‌های توزیع غذا، وقوع وضعیت‌های اضطراری غذا و فرصت‌های معیشتی و نیز سلامت انسان‌ها، در مناطق شهری و روستایی خواهد داشت. در تحقیقی که هایلی و دیگران (۲۰۱۶) انجام داده‌اند، پیش‌بینی کرده‌اند با گرم‌شدن هوا و تغییر در الگوی بارش، احتمال کاهش غذای جهانی به میزان ۱۰ درصد در سال ۲۰۳۰ میلادی و بیشتر از ۲۰ درصد در سال ۲۰۵۰ میلادی وجود دارد. برای برنج پیش‌بینی شده است در سال ۲۰۳۰ میلادی در حدود ۹ درصد و در سال ۲۰۵۰ میلادی در حدود ۳۰ درصد کاهش تولید برای گندم در سال ۲۰۳۰ میلادی در حدود ۱۲ درصد و در سال ۲۰۵۰ میلادی در حدود ۱۴ درصد کاهش تولید برای ذرت در سال ۲۰۳۰ میلادی در حدود هفت درصد و در سال ۲۰۵۰ میلادی در حدود ۱۶ درصد کاهش تولید برای دانه سویا در سال ۲۰۳۰ میلادی در حدود دو درصد و در سال ۲۰۵۰ میلادی در حدود ۱۷ درصد کاهش تولید پیش‌بینی می‌شود. از طرف دیگر پیش‌بینی می‌شود به دلیل افزایش حرارت و تغییر در الگوی بارش، قیمت غذا در جهان بین سه تا ۸۴ درصد در سال ۲۰۵۰ میلادی افزایش یابد. از طرف دیگر فائو پیش‌بینی می‌کند عملکرد محصولات کشاورزی ۱۰ تا ۲۵ درصد در سال ۲۰۵۰ میلادی به دلیل تغییرات اقلیم کاهش یافته و به دلیل افزایش درجه حرارت، صید ماهیان در حدود ۴۰ درصد در سال ۲۰۵۰ میلادی کم می‌شود. این در حالی است که با توجه به افزایش جمعیت جهان، باید ۶۰ درصد افزایش در غذا به وجود آید. تغییرات اقلیم خطر و تهدیدی برای امنیت غذایی جهان است.

بررسی «شرق» از پروژه‌هایی که تنها در دولت اصلاحات اجرائی شد

وام سندیکایی بانک‌ها متوقف شد

ارمغان جوادنیا: پیگیری‌های «شرق» حاکی از آن است که وام سندیکایی بانک‌ها تنها در دولت اصلاحات آن هم برای تأمین مالی پروژه‌های بزرگ پرداخت شد اما در دولت‌های بعدی متوقف شد. یک مسئول آگاه بانکی در گفت‌وگو با «شرق» دراین‌باره توضیح داده که در پنج سال گذشته مصوب شد هفت پروژه به صورت وام سندیکایی در کشور اجرائی شود اما هیچ‌کدام از این پروژه‌ها اجرائی نشد. او همچنین در بخش دیگری از صحبت‌هایش این را هم اضافه کرد که طبق مصوبه قرار بود بانک ملت دو پروژه، بانک ملی دو پروژه، بانک صادرات دو پروژه و بانک کشاورزی یک پروژه را به صورت وام سندیکایی در کشور اجرائی کنند درحالی‌که هیچ‌کدام از این پروژه‌ها اجرائی نشد. به گفته این مسئول آگاه بانکی؛ تمامی این هفت پروژه مصوبه داشتند اما همان‌طور که مطرح شد، این پروژه‌ها اجرا نشد. او اما درباره جزئیات این پروژه‌ها پاسخی نداد و تنها به این موضوع بسنده کرد که وقتی پروژه‌ها اجرائی نشده دلیلی برای بیان جزئیات آنها نیست. درهمین‌حال، احمد حاتمی‌یزد، کارشناس‌ارشد بانکداری نیز که در دولت اصلاحات درگیر مذاکرات برای تأمین مالی پروژه‌های نفتی به صورت وام سندیکایی بوده، در گفت‌وگو با «شرق» توضیح داده که در دولت اصلاحات فقط دو پروژه بزرگ به صورت وام سندیکایی اجرا شد. او با تأکید بر اینکه اغلب تأمین مالی بانک‌های خارجی در پروژه‌های ایران به صورت وام سندیکایی است، اضافه کرد؛ یکی تأمین مالی یک‌میلیاردو ۲۰۰ میلیون دلاری پروژه نفتی سروش نوروز و دیگری تأمین مالی یک‌ونیم میلیارددلاری شرکت ملی نفت‌کش بود.

سید بهاءالدین حسینی‌هاشمی، کارشناس بانکی نیز در گفت‌وگو با «شرق» تأکید کرد که آزادراه تهران -زنجان - تبریز، مترو و طرح توسعه نیشکر از جمله پروژه‌هایی بود که با وام سندیکایی انجام شد. با وجود این؛ مسئله اساسی که در این میان مطرح می‌شود این است که چرا این پروژه‌ها تنها در دولت اصلاحات اجرائی و در دولت‌های بعدی متوقف شد؟ برخی از کارشناسان معتقدند همه بانک‌ها منابع آزاد کافی برای طرح و پروژه را به صورت وام سندیکایی ندارند درحالی‌که اگر این منابع را در اختیار داشته باشند، سرمایه خودشان کافی است اما منابع کافی برای تأمین سرمایه‌گذاری ندارند. برخی دیگر اما همکاری‌نکردن کارمندان و مدیران بانک‌ها را علت اصلی این موضوع می‌دانند و تأکید می‌کنند بانک‌ها فقط به بخش خود نگاه می‌کنند. ضمن اینکه بانک‌ها علاقه‌ای به رشد دیگر بانک‌ها ندارند و فقط می‌خواهند بخش خودشان رشد کند. درواقع از نگاه این کارشناسان؛ یک نوع حسادت بین بانک‌ها وجود دارد که مانع می‌شود رشد رقبا را ببینند؛ بنابراین ترجیح می‌دهند مستقل کار کنند. این کارشناسان همچنین اضافه می‌کنند بانک‌های ایرانی حاضر نیستند بخش‌های مشابه اقتصاد هم‌پای آنها کار کنند.

حسادت بانک‌ها

احمد حاتمی‌یزد
کارشناس ارشد بانکی

داستان وام سندیکایی از اینجا شروع می‌شود که بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات به یک پروژه یا مشتری محدودیت دارند و محدودیت متناسب با میزان سرمایه بانک است؛ یعنی هر بانک برای یک شرکت فقط می‌تواند تا ۲۰درصد سرمایه بانک را به یک پروژه یا شرکت به شکل تسهیلات بدهد. وقتی این محدودیت باشد اگر سرمایه بانک یک میلیارد دلار باشد، حداکثر تسهیلاتی که می‌تواند به یک پروژه بدهد یک‌پنجم آن است؛ یعنی ۲۰۰ میلیون دلار. اما اگر پروژه بزرگ باشد و ۲۰۰ میلیون دلار برایش کافی نباشد، مثل پروژه‌های پتروشیمی یا پروژه‌های نفتی، درآن‌صورت یک بانک نمی‌تواند پروژه را فاینانس کند، در اینجاست که دو تا سه بانک کنار هم قرار می‌گیرند و هرکدام بخشی از تسهیلات مورد نیاز پروژه را می‌دهند که هم محدودیت قانونی رعایت شده باشد هم ریسکشان را تقسیم کرده باشند؛ یعنی اگر پروژه ناموفق شود بانک را زمین نمی‌زند و در این ضرر باقی بانک‌ها شریک می‌شوند و هیچ‌کدام زمین نمی‌خورند اما هرکدام بخشی از زیان و ریسک مربوط به آن پروژه را قبول می‌کند. وقتی چند بانک مجبور شوند باهم کار کنند و یک پروژه را تأمین مالی کنند، به آن وام سندیکایی گفته می‌شود؛ وامی‌که از یک بانک درنیامده و چند بانک در آن مشارکت دارند و قانون و مقرراتی و آیین‌نامه‌های خاصی دارد که معمولا یکی از بانک‌ها لیدر می‌شود تا پروژه را مدیریت و نظارت کند و در موقع بازپس‌گرفتن اقساط هم یکی از بانک‌ها اقساط را می‌گیرد و بین اعضای آن سندیکا یعنی چند بانکی که وام دادند، پرداخت می‌کنند و اگر کار به اقدام حقوقی برسد همه بانک‌ها اقدام نمی‌کنند بلکه بانک لیدر سندیکا این اقدام را به نیابت از خود و سایر اعضای سندیکایی که وام را داده‌اند، انجام می‌دهد. نرخ سود این وام به توافق طرفین بستگی دارد. معمولا در دنیا مذاکره بر سر نرخ سود آزاد است و دونفر باهم توافق می‌کنند وقتی پیشنهاد اولیه را بانک لیدر می‌دهد همه اعضا یک نرخ واحد را قبول می‌کنند اما آنکه رهبر سندیکا است، حق مدیریت برای پروژه می‌گیرد که کمتر از یک درصد است. ارائه این نوع وام هیچ منع قانونی‌ای ندارد اما بانک‌های ایرانی حالت بخشی‌نگری دارند و هرکدام می‌خواهند تسلط کامل بر یک پروژه داشته باشند بنابراین مدیریت‌ها باهم هماهنگ نیست. این نوع وام خوب است اما بانک‌های ما در همکاری با هم قوی نیستند و خیلی کم اتفاق افتاده که بانک‌های ایرانی باهم همکاری کنند و به یک پروژه وام سندیکایی بدهند؛ خودشان معمولا وارد چنین وام‌هایی نمی‌شوند. هرکسی می‌گوید من باید لیدر باشم. درصورتی‌که اجرای آن می‌تواند پروژه‌های بزرگ‌تر را تأمین مالی کند. بانک‌های بزرگ‌تر چون ملی، ملت، صادرات و تجارت می‌توانند وارد وام‌های سندیکایی شوند. خودم درگیر مذاکرات برای تأمین مالی پروژه‌های نفتی و کشتیرانی و نفت‌کش بودم. چهار تا ۱۰ بانک خارجی درگیر بودند و من از طرف ایران مذاکره می‌کردم. تقریبا اغلب تأمین مالی بانک‌های خارجی در پروژه‌های ایران به‌صورت وام سندیکایی است. مثال یک پروژه نفتی به نام «سروش نوروز» بود. میدان نفتی در خلیج‌فارس که می‌خواستند آنجا را توسعه دهند. پیمانکار اصلی شرکت «شل» بود با مشارکت شرکت ایرانی(oiec). سهم شریک ایرانی به‌صورت وام سندیکایی ازسوی شش بانک که سه بانک ایرانی و سه بانک خارجی بود، تأمین مالی می‌شد. یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار صرف آن پروژه شد. یا در پروژه دیگری که دخیل بودم، برای تأمین مالی یک‌ونیم میلیارد دلار برای شرکت ملی نفت‌کش که بتواند ۱۱ فروند کشتی برای حمل‌ونقل نفت خام به کره سفارش دهد در آن برنامه هم تعداد زیادی بانک‌های اروپایی و کره مشارکت داشتند. لیدر بانک فرانسوی بود و آن تسهیلات پرداخت شد. اما بانک‌های خارجی در پروژه‌های ایرانی بیشتر روش سندیکایی به‌کار بردند اما بانک‌های ایرانی از این روش بی‌بهره بودند. این دو مورد در دولت اصلاحات اجرا شد. در سال‌های اخیر هم که ما تحریم بودیم و بانک‌های خارجی تأمین مالی ایران را نمی‌کردند.

اما و اگرهای وام سندیکایی

بهاءالدین حسینی‌هاشمی
کارشناس بانکی

وام سندیکایی با مشارکت چند بانک در یک طرح یا پروژه است که یک بانک، بانک اصلی می‌شود و بقیه بانک‌ها، شریک یا سندیکایی می‌شوند. یا یک بانک لیدر می‌شود و باقی بانک‌ها همراه آن می‌شوند. این نوع وام در مواقعی به‌کار گرفته می‌شود که بانکی از نظر محدودیت سرمایه خود نمی‌تواند حداکثر وام را بدهد یا سرمایه یک بانک کم باشد. یا بانکی که می‌تواند حداکثر ۲۵ یا ۲۰ درصد سرمایه پایه خود را به شخص حقیقی و حقوقی تسهیلات دهد. ممکن است ۲۰ درصد سرمایه‌اش کفایت لازم را نداشته باشد که با برخی بانک‌ها، سندیکایی و چند بانک دیگر مشارکت و ضریبی از سرمایه آنها را هم در آن تسهیلات استفاده می‌کنند که ریسک اصلی با بانک اول است و بانک‌های دیگر هم در این مشارکت استفاده و سود را به‌نسبت سرمایه بین هم تقسیم می‌کنند. زمانی سرمایه بانک کفایت را دارد اما منابع کافی ندارد در چنین مواقعی از منابع سایر بانک‌ها برای تأمین مالی در سرمایه‌های بزرگ استفاده می‌کند که باید بانک لیدر طرح‌های توجیهی محکمی را تهیه کند و بعد توجیهات را در اختیار سایر بانک‌ها قرار دهد و اگر آنها توجیه بررسی و ارزیابی کارشناسی را قبول کردند، منابع را در اختیار بانک اصلی یا بانک اول قرار می‌دهند و بانک آن را در اختیار آن طرح و پروژه قرار می‌دهد که در اینجا نظارت و مسئولیت پرداخت با بانک اول است. یکی از مشکلات این است که بانک‌ها امکانات ندارند. در شرایط فعلی مشکل سندیکایی نیست. کمتر پروژه‌ای داریم بخواهند سرمایه‌گذاری کنند که بانک‌های بزرگ نتوانند انجام دهند. درحال‌حاضر همه بانک‌ها منابع آزاد کافی برای طرح و پروژه ندارند که آن را به کار گیرند درحالی‌که اگر منابع آزاد را در اختیار داشته باشند کفایت سرمایه خودشان کافی است اما منابع کافی برای تأمین سرمایه‌گذاری ندارند. البته این نوع وام کارگشا و مؤثر است. اینکه بانک‌ها از توان و منابع آزاد همدیگر به جای اینکه از هم استقراض کنند، می‌توانند در یک سرمایه‌گذاری بزرگ با هم مشارکت کنند؛ مثل طرح‌های بزرگ پالایشگاه‌ها یا طرح‌های راه‌سازی، راه‌آهن و پروژه‌های بزرگ. البته این درحالی است که نمونه این پروژه‌ها را در مترو و آزادراه‌ها داشتیم. بعد از انقلاب پروژه‌های زیادی با این وام‌ها اجرائی شد. مثلا آزادراه تهران - زنجان - تبریز که با مشارکت بانک‌های صادرات، رفاه و ملی اجرا شد. یا مترو که با مشارکت بانک صادرات و تجارت اجرائی شد. یا طرح توسعه نیشکر که با وام سندیکایی بانک صادرات و ملی انجام شد. چهار تا پنج پروژه بزرگ از محل مشارکت و وام‌های سندیکایی بانک‌ها اجرائی شد. با این توضیحات برای این نوع وام‌ها اولا بانک‌ها باید منابع آزاد را داشته باشند. مشکل اصلی این است که هم‌اکنون بانک‌ها محدودیت منابع آزاد دارند. به‌هرحال، وام‌های سندیکایی می‌تواند برای پروژه‌های بزرگ کارساز باشد. بانک به‌تنهایی قادر به تأمین مالی نیست. در همه بانک‌های دنیا متداول است پروژه‌های بزرگ را دو تا سه بانک با مشارکت مختلف به نسبت‌های مختلف از توان هم برای سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند البته باید با نظارت و موافقت بانک مرکزی باشد. دستورالعمل برای ارائه این نوع وام‌ها وجود دارد و مشکلی دراین‌باره نیست. بانک‌ها باید خودشان پروژه را پیدا کنند که در آن سرمایه‌گذاری کنند اگر سرمایه خودشان کافی نباشد، از اعتبار هم استفاده می‌کنند. در کشورهای دیگر پروژه‌های بزرگی داشتند که با وام سندیکایی اجرائی شده است. یک بانک می‌شود لیدر و بانک‌های دیگر می‌شوند کلیدر و تحت شرایطی سرمایه‌گذاری می‌کنند و درصد بیشتری هم برای بانک لیدر کارمزد در نظر می‌گیرند؛ به دلیل پرداخت تسهیلات و نظارت بر آن.

فراتر از خبر

وام سندیکایی ریشه در سال‌های ۱۹۶۰ دارد. تولد یورو و دلار و توسعه بازارهای بین‌بانکی فرامرزی امکاناتی را فراهم کرد تا وام‌دهندگانی از مناطق مختلف جغرافیایی در سندیکاهایی دور هم جمع شوند و در وام‌هایی مشارکت کنند که دارای یک مبنای تأمین مالی مشترک و یک سلسله‌شرایط و مقررات مشترک بود.

نقش اساسی در تکامل این بازار ناشی از توسعه سیستمی بود که بتواند اعتبارات میان‌مدت را با دوره‌های قابل تنظیم نرخ سود معرفی کند. به‌جای اینکه نرخ سود برای کل دوره یک اعتبار تعیین و تثبیت شود، این نرخ به‌صورت گاه‌به‌گاه بر مبنای فواصل زمانی از پیش توافق‌شده تنظیم و تعیین می‌شود تا منعکس‌کننده نرخ سود بازار سپرده‌های بین‌بانکی باشد که دائما در حال تغییر است.

سال‌ها، بیشتر بازارهای داخلی که سنتی و تحت مقررات حوزه‌های نظارتی بانک‌های مرکزی بودند، آمادگی پذیرش این ابداعات و خلاقیت‌ها را نداشتند. اما اکنون، بیشتر بانک‌های مهم و بین‌المللی از فعالان این بازارند. در سال‌های اولیه این بازار، بزرگ‌ترین وام‌های سندیکایی در بازارهای داخلی ایالات متحده آمریکا ترتیب داده می‌شد. اما بعدها، اروپا و سپس منطقه آسیایی اقیانوس آرام موفق به معرفی این‌گونه وام‌ها شدند. در آن سال‌ها، بزرگ‌ترین وامی که انجام شده بود، رکورد ۵۵میلیارددلاری برای BHP Billiton در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ ترتیب داده شده بود. در دهه ۱۹۷۰، Iran Overseas Investment Bank در لندن از زیرمجموعه‌های بانک ملی و بانک صنعت و معدن، بهترین بانک عاملی بود که به‌عنوان Lead Manager برای وام‌های مورد درخواست مؤسسات ایرانی یا به‌صورت بانک مشارکت‌کننده در دیگر وام‌های مهم بین‌المللی در سطح جهانی مشارکت داشت. این بانک در زمان خود توانست تسهیلات چند صد میلیون‌دلاری به‌نفع هریک از شرکت‌ها و مؤسسات مهم ایرانی در قالب وام‌های سندیکایی و با نازل‌ترین نرخ‌های موجود در بازار لندن فراهم کند. تجربه موفق این نوع وام در دنیا در حالی است که در سال‌های اخیر، بانک مرکزی دستورالعمل‌های لازم برای انعقاد قراردادها، مشارکت و مدیریت وام‌های سندیکایی را صادر و آنها را تشویق کرد به ارائه این‌گونه تسهیلات بپردازند.

خبر

بزرگ‌ترین بانک‌ها خواستار توقف فروش سهام بیت‌کوین شدند

● بانک‌های وال‌استریت به آغاز فروش سهام بیت‌کوین اعتراض و تأکید کرده‌اند که سیستم مالی توان تحمل جهش‌ها و سقوط‌های سنگین قیمت ارز دیجیتال را ندارد. به گزارش مهر به نقل از سی‌ان‌بی‌سی، فایننشال‌تایمز انگلیس گزارش داده است که روز پنجشنبه نامه‌ای از طرف اتحادیه صنعت سهام که اعضای آن از بزرگ‌ترین بانک‌های جهان هستند، به کمیسیون تجارت سهام آمریکا ارسال شده است. گزارش‌ها حاکی است در این نامه به آغاز فروش سهام بیت‌کوین اعتراض و نوشته شده که نباید به بورس‌های شیکاگو، سی‌ام‌ای گروپ و سی‌بوئه گلوبال مارکتز، اجازه داده شود که تحت یک رژیم خود-ارزش‌گذاری، سهام بیت‌کوین را عرضه کنند. فایننشال‌تایمز گزارش داد در پیش‌نویس این نامه که توسط این روزنامه رؤیت شده است، نوشته شده: قوانین پیشنهادشده برای تجارت سهام بیت‌کوین با ریسک بالقوه‌ای که در بطن تجارت آن وجود دارد، هم‌خوانی ندارد. قرار است بورس سی‌بوئه گلوبال مارکتز ار روز یکشنبه فروش سهام بیت‌کوین را آغاز کند و بورس سی‌ام‌ای گروپ هم ورژن مخصوص به خود را از ۱۷ دسامبر ارائه خواهد کرد.

ثبات بازار مسکن تا پایان سال

● بازار مسکن این روزها از تب‌وتاب نوسان نرخ طلا و ارز چندان تأثیر نگرفته است و به اعتقاد کارشناسان، به روند باثبات خود تا پایان سال ادامه می‌دهد. به گزارش ایرنا، برخی از کارشناسان پیش‌بینی کرده بودند عواملی مانند ورود خانه‌اولی‌ها به بازار مسکن با تسهیلات ۸۰۰میلیون‌ریالی (۸۰میلیون‌تومانی)، کاهش تورم بخش مسکن نسبت به تورم عمومی در چند سال اخیر، افت نرخ سود بانکی و... به رشد قیمت در نیمه دوم سال منجر می‌شود اما با گذشت سه ماه از نیمه دوم سال، روند معاملات تغییر چندانی نکرده و قیمت‌ها متناسب با نرخ تورم و با اندکی افزایش همراه شده است. در همین پیوند، رئیس پیشین اتحادیه املاک در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایرنا تأکید کرد با گذشت حدود سه ماه از نیمه دوم سال رونق اندکی در بازار مسکن وجود دارد و قیمت مسکن در سه ماهه پایانی سال نیز متناسب با نرخ تورم خواهد بود. مصطفی قلی‌خسروی افزود: نسبت به ماه‌های محرم و صفر معاملات مقداری خود را نشان داده است اما به معنای رشد قیمت مسکن در نیمه دوم سال نیست؛ زیرا هر سال به دلیل اعتقادات مردم، خرید و فروش مسکن در این دو ماه با کاهش همراه می‌شود و بعد از آن، بهبود نسبی پیدا می‌کند. قلی‌خسروی تأکید کرد بهبود نسبی وضع بازار تا پایان سال ادامه می‌یابد اما بیش از این مقدار شاهد رشد نخواهیم بود. وی ادامه داد: در این مدت با افزایش خرید و فروش مسکن زمینه برای رشد قیمت‌ها فراهم می‌شود، البته دولت قصد دارد تسهیلات بیشتری برای خریداران و سازندگان مسکن در نظر بگیرد تا شاهد رشد معاملات مسکن باشیم اما دولت به هیچ وجه متشنج‌شدن بازار و افزایش بیش از حد قیمت مسکن را خواستار نیست. رئیس کمیسیون تخصصی املاک کشور نیز با تأیید تحولات نسبی بازار گفت: نرخ مسکن تا پایان سال با جهش قیمت همراه نخواهد شد. حسام عقابی افزود: قیمت خرید و فروش مسکن تا پایان آبان ۱۰ درصد رشد کرد و تا پایان سال نیز همین رشد ادامه می‌یابد. مدیرکل تجهیز منابع وزارت راه‌وشهرسازی نیز در گفت‌وگویی گفت: امسال صدور پروانه ساختمان ۱۰ درصد و ارزش‌افزوده بخش مسکن هفت درصد در مقایسه با سال گذشته افزایش یافته است. بهروز ملکی افزود: با ساخت مسکن مهر و تزریق منابع نفتی به بخش مسکن در برخی سال‌ها تولید به‌شدت افزایش یافت؛ به طوری که از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ برای ساخت ۷۵۰ هزار دستگاه واحد مسکونی پروانه ساختمان صادر شد.